

تأثیر هجرت انبیاء الهی بر تمدن‌سازی از منظر قرآن کریم



آرمان فروهی^۱

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۰

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

چکیده:

مهاجرت از ابتدای بشر تاکنون در میان اقوام مختلف به عنوان راهی برای عبور از مصائب و مشکلات در نظر گرفته شده و از جمله مهم‌ترین راهکارهای جوامع بشری برای ارتقاء وضعیت زندگانی خود بوده است. قرآن کریم نیز در ضمن آیات فراوانی به هجرت انبیاء الهی و پیروان آنها اشاره کرده است. در این پژوهش که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که هجرت در دوران رسالت انبیاء الهی از چه جایگاهی برخوردار بوده و از منظر قرآن کریم میان هجرت انبیاء الهی و تمدن‌سازی چه نسبتی برقرار است؟ با بررسی آیات متعدد قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که در قرآن ضمن بیان دسته‌بندی هجرت به هجرت درونی و هجرت بیرونی، اهداف متعددی همچون رضا و خشنودی خداوند، حفظ ایمان و توحید، دستیابی به امنیت و آمرزش گناهان و در نهایت ایجاد تمدن الهی برای این امر مهم شمرده شده است. همچنین هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل، اصحاب کهف و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان ایشان هجرت‌هایی با نیل به رستگاری و قرب الهی بوده، که منشاء تحول اجتماعی-تمدنی برای دینداران آن ادیان را فراهم کرده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، هجرت، انبیاء الهی، تمدن‌سازی.

۱. دکتری تاریخ اسلام

Arman.Forouhi@yahoo.com

مقدمه

مهاجرت در زندگی موجودات اعم از انسان‌ها و حیوانات راهی برای حفظ حیات مادی و تلاشی برای رسیدن به شرایط مطلوب می‌باشد. این شیوهی زندگی تنها مختص انسان‌ها نبوده و بسیاری از پرندگان و حیوانات نیز به عنوان کوچنده و مهاجر شناخته می‌شوند. انسان در طول تاریخ برای سازگاری با محیط و غلبه بر مشکلات و سختی‌ها از مهاجرت به عنوان اقدامی سازنده و مثبت استفاده کرده است. روند مهاجرت در طول ادوار تاریخی به تناسب با موقعیت جوامع بشری صورت گرفته و با تغییر محل زندگی وسیله‌ای برای تنظیم زندگی فرد با منابع و موجودات جدید شده است. این مسئله در پی عدم تعادل در ملزومات زندگی بشری مورد توجه قرار می‌گیرد و از این جهت شاهد آن هستیم که مکان‌های مورد مهاجرت از لحاظ اجتماعی و اقتصادی وضعیت مطلوب تری نسبت به محل استقرار پیشین دارد. بر این اساس مهاجرت در اکثریت جوامع بشری با میل به رفاه بیشتر صورت می‌پذیرد. در کنار عوامل متعدد مادی و معنوی، هجرت و مهاجرت نیز در ایجاد تشکیل تمدن‌ها تأثیرگذار است. این مسئله به قدری مهم است که بیشتر تمدن‌ها در پی مهاجرت به وجود آمده‌اند. آرنولد توین‌بی، مورخ برجسته از ۲۷ تمدن همچون تمدن آشور، آکد، بابل، سومر، ماناها، هند، بین‌النهرین، یونان، روم و هند نام می‌برد که در پی مهاجرت شکل گرفته‌اند. (توین‌بی، ۱۳۶۶، ۱۵۰-۱۴۸) هرچند براساس دیدگاه جامعه‌شناسان سده‌های معاصر موتور حرکت یک تمدن تنها بر هجرت و اراده‌ی انسانی استوار است و مهاجرت به خودی خود تمدن را تشکیل نمی‌دهد.

دین اسلام آنچه سبب تکامل و حیات حقیقی انسان می‌شود را در گرو حیات معنوی او بیان می‌کند. از این رو مهاجرت از منظر ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام دارای صبغه‌ی توحیدی و فراتر از زندگی مادی است. در این میان مهاجرت فرهنگی از مفاهیم عمیق معارف اسلامی و بهترین نوع هجرت از منظر دینی به شمار می‌رود. در واقع در مهاجرت فرهنگی جلوه‌های توحید در جوانب مختلف فردی و اجتماعی انسان بروز و ظهور پیدا می‌کند و حرکتی زنده و پویا می‌باشد که انسان را به سوی کمال آفرینش سوق می‌دهد. بر این اساس در قرآن به مهاجرت‌های معنوی اشاره و تأثیرگذاری این نوع مهاجرت را مورد تبیین قرار داده است.

در پژوهش حاضر می‌توان به برخی آثار به عنوان پیشینه توجه کرد. کسای در



هجرت در قرآن و منظرهای مختلف^۱ به بیان آیات و احادیث متعدد در ارتباط با هجرت می‌پردازد؛ ولی پژوهش حاضر در صدد بررسی تأثیرات هجرت در تحولات زندگی انبیاء الهی است. همچنین وی به هجرت در فلسفه، کلام، طبیعت و علوم اجتماعی پرداخته است که با رویکرد و مسئله‌ی مقاله‌ی حاضر متفاوت است. عبدالله زاده آرانی نیز در «هجرت و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه اسلام»^۲ به بیان هجرت در فرهنگ اسلامی به عنوان یک پدیده‌ی تاریخی-تمدنی پرداخته و آن را اصلی اساسی در نظام اجتماعی اسلام می‌داند. وی ضمن بیان اثرات اجتماعی هجرت از گسترش و تبلیغ اسلام تا ایجاد نظام متمرکز سیاسی-دینی، هجرت حضرت محمد ﷺ را مبدأ پیدایش تمدن اسلامی ذکر کرده است. وی در مقاله‌ی خود تنها به هجرت حضرت محمد ﷺ به عنوان مطالعه‌ی موردی پرداخته و به مهاجرت سایر انبیاء الهی اشاره‌ای نکرده است. بر این اساس نگرارش جستار حاضر که مبتنی بر شناخت رویکرد قرآن در زمینه‌ی هجرت انبیاء الهی و تمدن‌سازی است، ضروری به نظر می‌رسد که در نوع خود نیز بدیع و نو محسوب می‌شود. در این پژوهش ضمن بیان مفهوم‌شناسی و دسته‌بندی انواع هجرت، به مهاجرت انبیاء الهی به صورت موردی پرداخته خواهد شد و از این رهگذر رویکرد قرآن در بیان نسبت میان هجرت انبیاء الهی و تمدن‌سازی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

مفهوم شناسی هجرت در قرآن:

واژه هجرت، اسم و از ریشه‌ی «هجر» است. (ابن منظور، ۱۹۹۶م، ماده هجر) ابن اثیر می‌گوید هَجرت و هجرت از زمینی به زمین دیگر رفتن است. (ابن اثیر، ۱۳۸۳ق، ماده هجر) مهاجرت از ریشه‌ی «هجر» به معنای قطع ارتباط انسان از دیگری و ترک کردن اوست که این مفهوم توسعه داده شده و در مورد جلای وطن کردن و جدا شدن از چیزی به کار می‌رود. (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ۷۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ۴۶۵) در عرف قرآن، هجرت از دارالکفر به دارالایمان منظور است که در قرآن ۳۱ مرتبه این لفظ آمده است. (طیب حسینی، ۱۳۹۹، ۶۰۵)

در قرآن کریم ضمن آنکه به هجرت در مواقع ضروری دستور می‌دهد، در برخی مواقع

۱. کسایی، فاطمه (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، «هجرت در قرآن و منظرهای مختلف»، فصلنامه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۳۳ و ۳۴، ۷۹-۹۲.

۲. عبدالله زاده آرانی، رحمت الله (۱۳۷۰)، «هجرت و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد الهیات گرایش معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق (ع).

نیز از پاداش عظیم هجرت سخن به میان آمده است. در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی توبه دو گروه مهاجران و مجاهدان در راه خدا را جزء انسان‌های رستگار بیان کرده است. در این آیه آمده است: «آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند»^۱. (توبه: ۲۰)

همچنین در آیه‌ی ۱۰۰ سوره‌ی نساء خداوند به کسانی که در راه خدا هجرت کرده‌اند، وعده می‌دهد در زمین جایگاه‌های مناسبی برای آسایش و رفاه آنان فراهم خواهد بود. در این آیه آمده است: «و هر کس در راه خدا (از وطن خویش) هجرت کند در زمین برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت...»^۲ (نساء: ۱۰۰) قرآن کریم زمانی که ظلم حکومت جور گسترده و فزاینده است، دینداران را دعوت به هجرت می‌کند. در این ارتباط در آیه ۹۷ سوره‌ی نساء آمده است: «آنان که فرشتگان، جانشان را در حالی که ظالم به خود بوده‌اند می‌گیرند، از آنها پرسند که در چه کار بودید؟ پاسخ دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم. فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن هجرت کنید؟! و مأوای ایشان جهنم است و آن بد جایگاه بازگشتی است»^۳. (نساء: ۹۷)

اهداف و انواع هجرت از منظر قرآن:

خداوند در قرآن کریم انسان را به دو نوع هجرت فرا می‌خواند. اول هجرت درونی که از آن با عنوان هجرت باطنی و معنوی یاد می‌شود که با ترک دیار و زشتی‌ها و استقرار در سرزمین پاک‌ها و زیبایی‌ها برترین نوع هجرت خوانده شده است. در این نوع از هجرت، هجرت از کفر به سوی ایمان و از گناه و نافرمانی به اطاعت مدنظر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ۴۱) در بحارالانوار آمده است: «کسی می‌گوید مهاجرت کرده‌ام در حالی که مهاجرت واقعی نکرده است، مهاجران واقعی آنهاهی هستند که از گناهان هجرت کرده و مرتکب آن نشوند». (مجلسی، ۱۴۱۲ق، ج ۶۸، ۲۳۲) بینش اسلامی، این دسته از هجرت را مهاجرت راستین می‌داند که در آن هر چه رنگ طاغوت دارد باید به مقابله به آن برخاست و دست به هجرت زد. (قمی، ۱۳۶۷، ماده هجر)

۱. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».
۲. «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافَعًا كَثِيرًا وَسَعَةً...».
۳. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا».



دسته‌ی دوم هجرت، هجرت ظاهری و مکانی است که از آن با عنوان هجرت بیرونی یاد می‌شود. این هجرت با هدف ترک دارالکفر و خارج شدن از ولایت طاغوت و روی آوردن به دارالایمان و قلمرو ولایت خداوند صورت می‌گیرد. هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام از این نوع هجرت است تا کسی مانع یکتاپرستی وی نشود. در آیه ۲۶ سوره‌ی عنکبوت در این ارتباط آمده است: «گفت من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است»^۱.

هجرت با اهداف متعدد اتفاق می‌افتد که در قرآن به شکل‌های گوناگون به آن اشاره شده است. در آیه ۸ سوره‌ی حشر برخی اهداف هجرت و صفات مهاجرین از جمله دنبال فضل الهی بودن، خشنودی خدا را درخواست کردن و یاری دادن به خدا و رسول او ذکر شده است. در این آیه آمده است: «این اموال برای فقیران مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند؛ و آنها راستگویانند»^۲. (حشر: ۸) تمایل و گرایش به سوی خدا از اهداف دیگر هجرت مهاجران می‌باشد. در این ارتباط حضرت ابراهیم علیه السلام بیان می‌دارد: «گفت من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم...»^۳ (عنکبوت: ۲۶)

حفظ ایمان و توحید از دیگر اهدافی است که در قرآن برای هجرت به ویژه هجرت اصحاب کهف مطرح شده است. در این ارتباط در آیه ۱۳ و ۱۴ سوره‌ی کهف آمده است: «ما قصه آنان را بر تو به درستی حکایت خواهیم کرد. آنها جوانمردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام (ایمان و) هدایتشان بیفزودیم علیه السلام و دل‌های (پاک) آنها را سخت استوار و دلیر ساختیم آن‌گاه که آنها قیام کرده و گفتند: خدای ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ کس را به خدایی نمی‌خوانیم، که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده‌ایم»^۴. (کهف: ۱۴-۱۳) همچنین تلاش برای دستیابی به امنیت و آموزش گناهان از دیگر اهداف هجرت در راه خدا به شمار می‌رود. همان طور که پیش از این ذکر شد قرآن در آیه‌ی ۱۰۰ سوره‌ی نساء به صراحت دستور

۱. «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

۲. «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ».

۳. «وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي...».

۴. «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاَهُمْ هَدَىٰ* وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا».

می‌دهد که اگر در محیطی به دلیل عواملی نتوانستید آنچه را وظیفه دارید انجام دهید به محیط و منطقه‌ای امن مهاجرت کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۴، ۹۰)

هجرت پیروان ادیان الهی:

نفس مهاجرت تمدن آفرین است؛ هجرت از سرزمین ابتدایی، هجرت از چارچوب‌ها و قالب‌های بسته و سنت‌های منجمد فکری، هجرت از نظام آموزشی و تربیتی غلط، از عادات و رسوم روزمره‌ی زندگی، از سرزمین و وطن محبوب، از دل مشغولی‌ها و مشاغل روزمره، هجرت از هر آنچه لذت بخش است، از خویشاوندان و روابط انسانی گذشته و... (شریعتی، ۱۳۵۹، ج ۱، ۵۷) در میان ادیان آسمانی هجرت با مقاصد و شیوه‌های گوناگون وجود داشته است که در قرآن به آنها پرداخته شده است. این هجرت‌ها با هدف حفظ هویت فرهنگی و در پی آزار و اذیت مخالفان صورت می‌گرفته است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن براساس قرآن اشاره خواهیم کرد.

هجرت قوم بنی اسرائیل:

بنی اسرائیل در قرآن به مجموعه‌ی یهودیان و پیروان حضرت موسی علیه السلام اطلاق می‌گردد. حضرت موسی علیه السلام برنامه‌ی اصلی خود را اصلاح اجتماعی برای نیل به یک جامعه‌ی دینی قرار داده بود. مقدمات این حرکت انقلابی، دانایی و حکم اوست. موسی علیه السلام در حرکت انقلابی و اصلاح اجتماعی مصداق واژه‌ی «محسن» است. (منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۹۴، ص ۹۸) جریان هجرت حضرت موسی علیه السلام به حادثه‌ی کشته شدن فردی از طرفداران فرعون به دست آن حضرت بر می‌گردد. در این حادثه حضرت موسی علیه السلام به طرفداری از فردی مظلوم با مرد فرعون‌ی درگیر و وی را به قتل می‌رساند. این حادثه در واقع جرقه‌ای برای یک انقلاب و هجرت برای قوم بنی اسرائیل بود. (کافی، ۱۳۹۶، ۱۲۳) فرعون و اطرافیانش که از کشته شدن یکی از حامیانش به دست حضرت موسی علیه السلام باخبر شدند، پس از مشورت در پی قتل آن حضرت برآمدند. یکی از اطرفیان فرعون که به حضرت موسی علیه السلام علاقمند بود و به عنوان مؤمن آل فرعون شناخته می‌شد، از تصمیم فرعون و فرعونیان باخبر شد و آن را بلافاصله به اطلاع آن حضرت رساند. طبق آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی قصص آن فرد به حضرت موسی علیه السلام گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت پرداخته‌اند، بی درنگ از شهر خارج شو که من از خیرخواهان تو هستم.»^۱ (قصص: ۲۰)

۱. «... قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ».



حضرت موسی علیه السلام در حالی که هر لحظه در انتظار حادثه‌ای بود و خوف آن را داشت که مأموران فرعون او را تعقیب و دستگیر کنند، قلب خود را متوجه پروردگار کرد و برای نجات خود به انتظار لطف خداوند بود و گفت: «پروردگار من! مرا از شر این قوم ظالم رهایی بخش». (قصص: ۲۱) بدین ترتیب حضرت موسی علیه السلام تصمیم گرفت به سوی سرزمین مدین که در جنوب شام و شمال حجاز قرار داشت و از قلمرو مصر و حکومت فرعون جدا بود، برود و از چنگال ستمگران بی رحم نجات یابد. (عطایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ۲۰۱-۲۰۰)

حضرت موسی علیه السلام در همین دوران جوانی خود که در نعمت بزرگ شده بود، باید دوران هجرت و سختی را طی می‌کرد و کنار مستضعفین قرار می‌گرفت تا سرانجام کار آماده‌ی قیام الهی بر ضد مستکبران آن جامعه شود. در آیات ۲۴ تا ۳۶ سوره‌ی طه به تفصیل به این موضوع اشاره شده است. حضرت موسی علیه السلام پس از ۱۰ سال مجدد به سرزمین مصر بازگشت. وی در این دوره مردم را به یکتاپرستی و قیام علیه طاغوت فرعون دعوت کرد. فرعون نیز در مقابل بر حضرت موسی علیه السلام و یارانش سخت گرفت و موسی علیه السلام را به رویارویی با ساحران دعوت کرد. حضرت موسی علیه السلام پس از پیروزی بر ساحران، مورد آزار و اذیت بیشتر فرعون قرار گرفت تا اینکه خداوند به آن حضرت وحی کرد که شبانه از مصر خارج شده و هجرت کند. در آیه ۷۷ سوره‌ی طه چنین آمده است: «و همانا به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه [از مصر] حرکت بده...». (طه: ۷۷)

فرعون نیز طبق آیه ۵۷ سوره‌ی شعراء دستور تعقیب را صادر کرد که در زمان نزدیک شدن آنان به دریا، راه برای قوم حضرت موسی علیه السلام گشوده شد و پس از آن فرعونیان در دریا هلاک شدند. (شعراء: ۶۵-۶۶؛ یونس: ۹۱-۹۰) حضرت موسی علیه السلام پس از آن قوم خود را به سرزمین موعود یعنی شام قدیم برد و هرچند پس از مدتی ارتحال نمود؛ ولیکن جامعه‌ی موحدی که وی به وجود آورده بود توسط جانشین او یعنی یوشع هدایت و زمینه‌ساز تمدن‌های باشکوه زمان حضرت داود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام گردید.

داستان حضرت موسی علیه السلام و هجرت ایشان در واقع مسیر بنیان‌گذاری تمدن اصیل و عظیم انسانی بود که در طول آن، آن حضرت به نشر توحید، مبارزه با استبداد، نابود ساختن استکبار و نظام اشرافیت و نجات قوم بنی اسرائیل با هدف ایجاد دولت و ملت‌ی واحد و تأسیس شریعتی آسمانی گام برداشت. (بوکای، بی‌تا، ۳۰۴)

۱. «وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعَبَادِي ...».

جامعه‌ی بنی اسرائیل که در پی شدت آزار حکومت فرعون در معرض فروپاشی بود، با در پیش گرفتن مهاجرت از خطر نابودی رهایی یافت و به جامعه‌ای قدرتمند مبدل شد و نیروهای پراکنده‌ی آن در پیکره‌ی واحد یهود جمع شد. در واقع با هجرت حضرت موسی علیه السلام بود که رسالت بزرگ و الهی آن حضرت تبیین یافت. اصلاح اجتماعی و ایجاد دولت مصلح که مأموریت اصلی حضرت موسی علیه السلام بود، با اقدام ویژه‌ی هجرت در جهت تمدن‌سازی انسجام نهایی گرفت.

هجرت قوم حضرت ابراهیم علیه السلام:

حضرت ابراهیم علیه السلام سال‌های طولانی با جامعه‌ی سرشار از فرهنگ کفرآلود و شرک آمیز مبارزه کرد و برای استقرار توحید و ایمان تلاش نمود. حضرت ابراهیم علیه السلام مبتکر شیوه‌های جدید و خاص برای دعوت است. بر طبق آیات ۸۰-۸۱ سوره‌ی انعام، ۸۶ سوره‌ی صافات و ۷۵ سوره‌ی شعراء صراحت لهجه، دعوت با پرسش و برائت از شرک و کفر از نوآوری‌های وی در امر دعوت بوده است. برائت وی از مشرکان، هم به صورت لفظی و هم به صورت عملی شامل کناره‌گیری، اعلام مبارزه، هجرت و ترویج توحید بوده است. (کافی، ۱۳۹۶، ۱۵۴-۱۵۵) تلاش گسترده و روزافزون حضرت ابراهیم علیه السلام نتیجه مطلوب نداد و بت پرستان و مشرکان درصدد سوزاندن و کشتن او برآمدند و خداوند با گلستان کردن آتش او را رهایی داد. (عنکبوت: ۲۴)

حضرت ابراهیم علیه السلام به همراه پیروان اندک خود شامل همسر، حضرت لوط علیه السلام و یاران، سرزمین بابل را به سوی مصر و فلسطین ترک کرد تا در آنجا بدون آزار و اذیت مشرکان به گسترش دعوت حق بپردازد و پرستش خدای یگانه را به جای آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ۱۲۲) این هجرت نیز تمدن‌سازی ابراهیمی را در آن منطقه با حضور پیروان آن حضرت فراهم کرد. طبق آیه‌ی ۹۹ سوره‌ی صافات خداوند این هجرت را از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام، هجرت به سوی او بیان می‌کند. در این آیه آمده است: «گفت: من به سوی پروردگارم می‌روم، او مرا راهنمایی خواهد کرد».^۱ (صافات: ۹۹)

خداوند متعال بعد از آن به عنوان پاداش هجرت، نعمت‌های گوناگون را به حضرت ابراهیم علیه السلام اعطا کرد. خداوند برای وی فرزندان لایق و شایسته‌ای قرار داد که بتوانند چراغ ایمان و نبوت را در دودمان او روشن نگه دارند. از میان ۲۵ پیامبری که در قرآن نامشان

۱. «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ».



آمده ۱۶ نفر آنها از جمله اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، داود، سلیمان، ایوب، موسی، هارون، زکریا، یحیی و عیسی از فرزندان حضرت ابراهیم علیه السلام محسوب می‌شوند. پیامبر خاتم صلوات الله علیه نیز از ذریه و سلسله نسب حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد. (عطایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ۶۹-۶۸) همچنین نبوت و کتاب الهی را در دودمان وی قرار داد. در آیه‌ی ۱۲۴ سوره‌ی بقره در این موضوع آمده است: «فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم»^۱. پاداش دنیوی همچون نام نیک در طول زمان‌ها که محبوب همه‌ی امت‌ها باشد و همه‌ی ادیان الهی به وی افتخار کنند را به وی عنایت فرمود. (کافی، ۱۳۹۶، ۱۲۲) در آخرت نیز او را جزء صالحان قرار داد. (عنکبوت، ۲۷-۲۶)

هجرت اصحاب کهف:

قرآن کریم در آیات ۹ تا ۲۶ سوره‌ی کهف به شماری از خداپرستان اشاره می‌کند که از آیین بت‌پرستی دوران خویش بیزاری جستند. آنها آشکارا و با حضور در مقابل پیشوایان کفر که قیصر و حکومت روم بود، از هرگونه شرک اعلام برائت کردند. در این ارتباط در آیه‌ی ۱۴ و ۱۵ سوره‌ی کهف آمده است: «و دل‌های پاک آنها را سخت استوار و دلیر ساختیم آن‌گاه که آنها قیام کرده و گفتند: خدای ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ کس را به خدایی نمی‌خوانیم، که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده‌ایم. این قوم ما که خدایانی غیر خدای یگانه برگرفتند چرا هیچ دلیل روشنی بر خدایی آنها نمی‌آورند؟ پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که افترا و دروغ بر خدا می‌بندد؟!»^۲. (کهف: ۱۵-۱۴)

اصحاب کهف با ایمانی راسخ، زندگی مادی از جمله زن، فرزند و شغل را رها کردند و با به جان خریدن تمام محرومیت‌ها برای حفظ ایمان خود، به استقرار در غار پناه برده و از درگاه او درخواست هدایت کردند. خداوند نیز غار را برای آنان به مدت ۳۰۹ سال جایگاه امن قرار داد و این گروه را به خوابی عمیق فرو برد. در این ارتباط در آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی کهف آمده است: «و آن‌گاه اصحاب کهف با یکدیگر گفتند که شما چون از این مشرکان و خدایان باطلشان که جز خدا می‌پرستند دوری جستید باید به غار کوه گریخته و پنهان شوید تا خدا از رحمت خود به شما گشایش و توسعه بخشد و اسباب کار شما را با (روزی حلال و)

۱. «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا».

۲. «وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا* هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا».



آسایش مهیا سازد. آن‌گاه به غار کوه رفته و به خواب شدند...^۱. (کهف: ۱۶)

خداوند در قرآن کریم هجرت اصحاب کهف را مورد ستایش قرار می‌دهد و از آنها به نیکی یاد می‌کند. هجرت اصحاب کهف در دسته بندی هجرت، به عنوان هجرت باطنی و معنوی شناخته می‌شود که اجر و اهمیت آن مضاعف است. در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی کهف آمده است: «... این حکایت جوانمردان کهف یکی از آیات الهی است؛ هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را در گمراهی واگذارد دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار راهنمایی نخواهی یافت».^۲ (کهف، ۱۷) بر این اساس هجرت اصحاب کهف مورد تأکید و توجه قرآن قرار گرفته است.

هجرت حضرت محمد ﷺ و مسلمانان:

تلاش‌های مستقیم و غیرمستقیمی در سیره‌ی نبوی برای ایجاد شرایط اجتماعی، مادی و مکانی مناسب، صورت گرفت که از جمله‌ی آنها می‌توان به وجوب هجرت و تحریم شرعی رجوع مجدد به بادیه نام برد. (خامنه‌ای، بی‌تا، ۳۱۳) هجرت، دوری گزیدن از محیط آلوده به شرک و قید و بندهای جاهلی و اشرافی مکه و رسیدن به جایی بود که استعداد انسان شکوفا گردد و او را به سوی تکامل و تعالی فکری و مادی و پرواز به سوی هدایت الهی و ملکوت اعلی ببرد. هجرت یک حادثه‌ی تصادفی نبود، بلکه موجب شکوفایی، تحکیم و تثبیت انقلاب و علت مَبْقِیَه در قالب تشکیل حکومت بود. رسول خدا ﷺ با انجام هجرت، سیاست داخلی خود را از مرحله‌ی تبلیغ اسلام و دعوت به کلمه‌ی طیبه‌ی «لا اله الا الله» و موعظه‌ی حسنه، به مرحله‌ی استقرار حکومت اسلامی و تحول نظام قبیله‌ای به دولت تشریح احکام تبدیل کرد. هجرت در واقع یکی از عملکردهای سیاسی رسول الله ﷺ و جزء نقشه‌های مبارزاتی آن حضرت همچون سایر انبیاء الهی بود که آغاز تمدن‌سازی رسول الله ﷺ در جامعه‌ی عرب و موجب شکل‌گیری تمدن و فرهنگ اسلامی بود. (منتظرالقائم، ۱۳۹۴، ۷۸)

براساس آیه‌ی ۲۸-۲۹ سوره‌ی ابراهیم اگر مسلمانی نتواند در دارالکفر که ولایت طاغوت بر آن حاکم است، هویت فرهنگی خود را حفظ کند و با برخورداری از آزادی‌های اجتماعی، آزادانه و آشکارا به باورها و ارزش‌های اسلامی پایبند باشد، باید از آنجا کوچ کند و در

۱. «وَإِذِ اعْتَرَفْتُمُوهُمْ وَمَا يُغِيدُونَ إِلَّا اللَّهُ فَاقْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِزْقًا».

۲. «وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ مِنْهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا».



جامعه‌ی اسلامی که ولایت خداوند بر آن حاکم است، زندگانی کند. (ابراهیم: ۲۹-۲۸) بر طبق این آیات، حکم مهاجرت مسلمانان ساکن بلاد کفر از جنبه‌های گوناگون متفاوت است. گروه اول کسانی هستند که به سبب اوضاع حاکم بر جامعه‌ی طاغوتی نمی‌تواند آزادانه و آشکارا به باورها و ارزش‌های دینی پایبند باشند و شعائر دینی خود را انجام دهند؛ چرا که با مخالفت و آزار و اذیت طاغوت مواجه می‌شوند. این دسته اگر عذر موجه مانند بیماری، پیری، از کارافتادگی و فقر شدید مالی نداشته باشند، مهاجرت آنها واجب است و در صورت استنکاف مورد بازخواست خداوند قرار گرفته و گرفتار عذاب خواهند شد. گروه دوم مسلمانی هستند که در جامعه‌ی طاغوتی از آزادی‌ها، اختیارات و قدرت اجتماعی برخوردارند و از این جهت می‌توانند آزادانه به تعلیم و تربیت فرهنگ اسلامی بپردازند و با پایبندی به آن، هویت فرهنگ اسلامی خود را حفظ نمایند. مهاجرت این دسته از مسلمانان امری نیکو و مستحب است. دسته‌ی سوم مسلمانانی هستند که از آزادی و اختیارات اجتماعی برخوردار نیستند؛ اما از سوی دیگر به علت بیماری، از کارافتادگی، پیری و ناتوانی مالی، قادر به مهاجرت نیستند. هجرت این گروه نه واجب است و نه مستحب؛ اما به محض اینکه مهاجرت امکان پذیر شد باید هجرت صورت گیرد. (نجفی، بی‌تا، ج ۲۱، ۳۴-۳۵)

در هنگامه‌ی افزایش جمعیت تازه مسلمان در مکه، گروه‌ها و قبایل گوناگون به آئین اسلام گرویدند. این موضوع سبب هراس سران کفر شد و رسول خدا ﷺ و پیروان ایشان مورد شدیدترین آزار و اذیت قرار گرفتند. سران قریش امید داشتند که مسلمانان دوباره به شرک و بت‌پرستی رو آورند. رسول خدا ﷺ که وضعیت را برای حضور مسلمین خطرناک دید، به جمعی ۷۰ نفره از آنها دستور داد به سرپرستی جعفر بن ابی طالب روانه‌ی سرزمین حبشه شوند. پیامبر ﷺ به این جمع فرمودند: «اگر به سرزمین حبشه سفر کنید، برای شما مفید خواهد بود؛ زیرا با وجود حاکم نیرومند و دادگر در آنجا به کسی ستم نمی‌شود و آنجا سرزمین دوستی و رفاه است و شما می‌توانید در آن سرزمین باشید تا خدا گشایشی در این زمینه حاصل کند.» (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ۳۴۹)

هدف پیامبر ﷺ از این اقدام آن بود که مسلمانان در سایه‌ی حکومت نجاشی که پیرو آئین مسیح علیه السلام بود، آزادانه به زندگی خویش براساس فرهنگ اسلامی ادامه دهند. این

۱. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُؤَارِ* جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارِ».

گروه پس از چندی به مکه بازگشتند؛ اما چون مشرکان بر شدت اذیت و آزار مسلمانان افزودند، دوباره در قالب گروه ۱۱۰ نفره به سوی حبشه مهاجرت کردند و پس از مهاجرت رسول خدا ﷺ و مسلمانان به مدینه و در سال فتح خیبر به مدینه رفتند. (ابن سعد، بی‌تا، ج ۱، ۲۰۳)

هنگامی که آزار و اذیت مشرکان قریش به اوج رسید و از گسترش اسلام دچار بیم و هراس شدند، از یک طرف شکنجه و سخت‌گیری بر مسلمین را به نهایت خود رساندند و از سوی دیگر نقشه‌ی قتل رسول خدا ﷺ را کشیدند. پس از آن بود که مسلمانان از پیامبر ﷺ اجازه‌ی مهاجرت خواسته و آن حضرت موافقت کردند. شرایط سخت و حساس زیر سایه فضای رعب و شکنجه و وحشتی که قریش ایجاد کرده بود و همچنین مسئله‌ی ترک خانه و شغل و پیمودن مسیر طولانی راه بیابانی و خشک فی‌ما بین مکه و مدینه فضای مبهمی برای هجرت را ایجاد کرده بود.

سوره‌ی عنکبوت به عنوان آخرین سوره‌ی مکی تکلیف مؤمنان را در این زمینه روشن ساخت. در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی عنکبوت چنین آمده است: «و قوم عاد و ثمود را که منازل (خراب و ویران) شان را به چشم می‌بینید آنها نیز با آنکه بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه (حق) آنها را بازداشت همه را هلاک و نابود گردانیدیم»^۱. (عنکبوت: ۳۸) حضرت محمد ﷺ وظایف سنگینی را که خداوند بر ایشان قرار داده بود به نحو احسن انجام داد و کوتاهی و سستی نکرد. همچنین ناامید نشد تا اینکه اذن هجرت به وی داده شد. وی حق خدا و قوم خود را بر آنها ادا کرد و با آنها نیکی کرد و زمانی که دید جز اندکی ایمان نیاوردند و به انکار و حق‌نشناسی پرداختند مجبور به هجرت شد. (حسین، ۱۳۸۸، ۶۴)

در ارتباط با هجرت، حدیثی از رسول الله ﷺ قابل توجه است که می‌فرمایند: «کسی که دین خود را در بردارد و از سرزمینی به سرزمین دیگر هرچند به اندازه‌ی یک وجب بگریزد، بهشت را بر خود واجب کرده است و دوست و رفیق ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود». (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۸، ۴۵۵؛ قرطبی، ۱۳۷۳، ج ۵، ۳۴۷) و یا در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: «شخص مهاجر کسی است که از حرام و گناه دوری کند و دست به هجرت بزند». (ابن اثیر، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۵۴) همچنین در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی عنکبوت به گستردگی زمین و اختیار

۱. «وَعَادًا وَثَمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُشْتَبِرِينَ»



انسان‌ها برای هجرت اشاره می‌کند و در ادامه بر پایداری و توکل به خداوند تأکید کرده و ترس از روزی در هجرت را بیهوده بیان می‌کند. در آیه‌ی پایانی این سوره نیز «و آنان که در راه ما به جان و مال جهد و کوشش کردند، به تحقیق آنها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت می‌کنیم، و همیشه خدا یار نیکوکاران است»^۱. سرانجام پاداش کوشش در راه خدا را هدایت و همراهی خداوند با نیکوکاران برشمرده است. (عنکبوت: ۶۹) خداوند در قرآن کریم برای کاستن از اندوه محمد ﷺ که دل‌بستگی به مکه داشت؛ به ایشان وعده داد که به زودی خداوند تو را به آنجا برخواهد گرداند. در این ارتباط در آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی قصص آمده است: «آن کس که قرآن را بر تو فرض کرده است تو را به وعده‌گاهت باز می‌گرداند، بگو: پروردگار من بهتر می‌داند که چه کسی بر راه راست است و چه کسی در گمراهی آشکار است»^۲. (قصص: ۸۵)

هجرت برای حفظ حیات معنوی و فرهنگ اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که مهاجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه به عنوان مبدأ تاریخ اسلام و مسلمانان شناخته می‌شود. این در حالی است که تحولات مهم و سرنوشت ساز بسیاری در دوران پیامبر ﷺ همچون بعثت، فتح مکه و رحلت پیامبر ﷺ نیز وجود داشت که هیچ یک مبدأ تاریخ مسلمین قرار نگرفته است و این مسئله حاکی از تأثیرگذاری این حادثه در تاریخ صدر اسلام دارد. مقطع دوران هجرت رسول الله ﷺ تأثیر فراوانی بر ادامه‌ی حرکت پرتوان آن حضرت داشت. پیامبر ﷺ در دوران هجرت بود که توانست مخالفان خود را کنار بزند و دعوت خود را در شبه جزیره گسترش دهد. در این دوران محمد ﷺ با نوشتن نامه و اعزام سفرا به مناطق مجاور، آنان را به اسلام راستین دعوت کرد و توانست ارزش‌های الهی را در میان مسلمانان حکمفرما سازد. (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۵۷)

بدین ترتیب مهاجران با تلاش و مجاهدت مالی و جانی و با پایداری، مشکلات هجرت را تحمل کردند و هنگامی که به مدینه رسیدند، قبایل اوس و خزرج آنان را پناه داده و خانه‌ی خود را در اختیار آنها گذاشتند و به مقام پرافتخار انصار نائل آمدند. خداوند از این گروه مهاجران که وطن و اموالشان به دیار غربت رانده شد و گروه انصار که بدون چشم داشت مهاجران را پناه داده و یاری رساندند و آنها را بر خود مقدم داشتند تقدیر به عمل آورده است. (منتظرالقائم، ۱۳۹۴، ۸۱) در آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی انفال در این ارتباط آمده است: «و

۱. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»

۲. «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»

آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که (مهاجران را با فداکاری) منزل دادند و یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست^۱». در آیات متعدد دیگر قرآن همچون آیه‌ی ۴۱ و ۱۱۰ سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۰۰ سوره‌ی نساء و آیه‌ی ۱۹۵ سوره‌ی آل عمران پاداش مهاجران را پاداش دنیوی، امنیت گسترده، آمرزش گناهان، بهشت جاودان، رحمت خدا، رستگاری ابدی و غیره بیان کرده است. همچنین در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی حج به مهاجرانی که در راه خدا به مقام شهادت می‌رسند یا حتی به مرگ طبیعی از دنیا می‌روند وعده «رزق حسن» داده شده است. (حج، ۵۸)

مرحوم علامه طباطبایی: در تفسیر آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی انفال بر مجاهدت مهاجران و فداکاری انصار اشاره می‌کند: «خداوند به آنان که برای خدا از زادگاه و شهر و دیار خویش مهاجرت کردند، وعده‌ی یک جامعه‌ی سالم و عاری از شرک و بت‌پرستی می‌دهد که در آنجا خدای یگانه پرستش می‌شود و عدالت و نیکی بر روابط افراد آن حاکم است؛ هرچند این، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار اخروی، و سعادت، جادوانگی و لذایذ عاری از بدبختی، فنا، نیستی و درد و رنج آن دنیا، چیزی به شمار نمی‌آید». (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ۲۵۵-۲۵۴)

تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که هجرت پیامبر ﷺ و مسلمانان و نیز جهاد، دو عامل اصلی در پیروزی اسلام در برابر دشمنان نیرومند بود. در واقع اگر هجرت نبود، اسلام در محیط خفقان مکه از میان می‌رفت و با این اقدام شجاعانه و تأثیرگذار رسول‌الله ﷺ بود که اسلام از شکل منطقه‌ای آن خارج شد و شکلی جهانی یافت. (کافی، ۱۳۹۶، ۲۰۰) حضرت محمد ﷺ این هدف را دنبال می‌کرد که هر جا زمینه مساعد بود، بذر اندیشه و عقاید را بپاشد؛ با این امید که در زمان مساعد، این بذر سبز خواهد شد. هدف این بود که پیام آزادی و بیداری و خوشبختی انسان به همه‌ی دل‌ها برسد. این جز با ایجاد یک نظام نمونه و الگو امکان‌پذیر نبود؛ لذا پیغمبر ﷺ به مدینه آمد تا این نظام نمونه را به وجود آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ۲۵)

هجرت حضرت محمد ﷺ تا آن اندازه اهمیت یافت که در دوران خلیفه‌ی دوم عمر بن خطاب با مشورتی که با حضرت علی رضی الله عنه انجام داد، این حادثه‌ی مهم به عنوان مبدأ تاریخ اسلام برگزیده شد. (طبری، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ۲۷۷) با حضور پیامبر ﷺ در مدینه جامعه‌ی

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ».



اسلامی منسجم تر و منظم تر شکل گرفت و به دستور پیغمبر اکرم ﷺ جمعیت قابل توجهی از یاران وی به قرائت قرآن و تعلیم و تعلّم احکام اسلامی مشغول شدند که حتی طبق آیهی ۱۲۲ سورهی توبه این افراد از شرکت در جنگ و جهاد معذور شدند. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۶۹)

نتیجه‌گیری:

انسان برای تکامل و رسیدن به قرب الهی آفریده شده است و خداوند متناسب با این هدف و حرکت، زمینه‌های رسیدن به وصال را در اختیار وی قرار می‌دهد. در بینش توحیدی باید همه‌ی توانمندی‌های انسان و جامعه در مسیر بندگی خدا و رشد و تکامل الهی و در نهایت تمدن الهی به کار گرفته شود و تمامی باورها و ارزش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی جهت توحیدی داشته باشد. از این رو در نظام ضد توحیدی که طاغوت حکمفرما است، خداوند در کنار سفارش به تلاش برای گسترش حق و حقانیت، هجرت را نیز به عنوان راه مطلوب و نهایی به دینداران توصیه می‌کند.

بخش عمده‌ای از آیات قرآن در بیان سرگذشت اقوام و پیامبران الهی است که سیر حوادث مرتبط با آنها بیان شده است. قرآن کریم در بیان مبحث هجرت روش خاصی را دنبال می‌کند. هجرت از جمله وقایعی است که به کرات در تاریخ انبیاء الهی تکرار شده است و در قرآن کریم به عنوان یک پدیده‌ی تمدنی-اجتماعی و تحول تاریخی به شمار رفته است. در قرآن از ذکر جزئیات خودداری می‌شود و فضای کلی مطرح می‌شود و به نکات کلیدی و اساسی بسنده می‌شود. در نهایت نیز ضمن آنکه خواننده را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند، نتیجه‌گیری را به مخاطب واگذار می‌کند. هجرت انبیای الهی در بردارنده‌ی خیر و برکت الهی بود و هنگامی که ایشان از موطن اصلی خود مهاجرت می‌کردند، در سرزمین مقصد به رفاه، آسایش و آرامش می‌رسیدند. فرار از ظلمت و شتافتن به سوی نور، برون رفت از کفر به سوی ایمان و در نهایت خروج از گناه و نافرمانی به سوی اطاعت از فرمان خدا از جمله عوامل الهی هجرت به شمار می‌رود. نمونه‌ی والای هجرت انبیاء الهی مهاجرت حضرت محمد ﷺ و پیروان ایشان به مدینه بود. هجرت پیامبر ﷺ و پیروان ایشان به مدینه، نقطه‌ی تحولی برای حکومت نبوی به شمار می‌رفت و با این حادثه عملاً هسته‌ی جامعه‌ای مستقل با نظام و فرهنگ اجتماعی مستقل و تمدن نبوی شکل نهایی به خود گرفت.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، مجدالدین (۱۴۰۳ ق)، **جامع الاصول فی احادیث الرسول**، تحقیق عبدالقادر ارنؤوط، بیروت: دارالفکر.
- ابن اثیر، مجد الدین (۱۳۸۳ق)، **النهایه فی غریب الحدیث و الأثر**، تحقیق طاهر احمد الراوی و محمود محمد الطناحی، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن سعد، محمد (بی‌تا)، **طبقات الکبری**، بیروت: دار صادر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۶م)، **لسان العرب**، تحقیق امین محمد و محمد صادق العبیدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ ق)، **السیره النبویه**، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، قاهره: مطبعه مصطفی حلبی.
- بوکای، موریس. (بی‌تا)، **قرآن عهدین و علم**، ترجمه حسن حبیبی، تهران: انتشارات حسینیّه ارشاد.
- توین بی، آرتور (۱۳۶۶)، **تاریخ تمدن**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- جعفری، یعقوب (۳۹۲)، **تاریخ اسلام از منظر قرآن**، قم: دفتر نشر معارف، ج ۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، **تسنیم: تفسیر قرآن کریم**، قم: انتشارات اسراء، ج ۲.
- حسین، طه (۱۳۸۸)، **آیینہ اسلام**، ترجمه محمدابراهیم آیتی، قم: اندیشه مولانا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، **انسان ۲۵۰ ساله**: بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی- مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام، تهران: موسسه ایمان جهادی.
- خامنه‌ای، سید علی (بی‌تا)، **اجوبه الاستفتائات**، قم: دار الحق.
- شریعتی، علی (۱۳۵۹)، **تاریخ تمدن**، تهران: آگاه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۱)، **المیزان**، قم: اسماعیلیان، ج ۵.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۱)، **قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۱.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفه، ط الثاني.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ ق)، **التاریخ الرسل و الملوک**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی‌تا)، **تفسیر التبیان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۹)، **تلخیص و تحریر قاموس قرآن**، قم: جامعه الزهراء.
- عبدالله زاده آران‌ی، رحمت الله (۱۳۷۰)، **هجرت و اثرات اجتماعی آن از دیدگاه اسلام**، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات گرایش معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- عطایی اصفهانی، علی (۱۳۹۶)، **قصه‌های پیامبران در قرآن**، قم: آئین دانش.
- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۷۳)، **تفسیر قرطبی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، **تفسیر قمی**، قم: دار الکتب، ط الثاني.
- کاف، مجید (۱۳۹۶)، **تاریخ قرآن «تفسیر موضوعی آیات اجتماعی و تاریخی»**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان تبلیغات اسلامی.
- کسای، فاطمه (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، **هجرت در قرآن و منظرهای مختلف**، فصلنامه مطالعات



تاریخی قرآن و حدیث، ش ۳۳ و ۳۴، ۷۹-۹۲.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۲ ق)، **بحارالانوار، بیروت**: دار الاحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر و دیگران (۱۳۶۷)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۴)، **تمدن‌سازی نبوی و علوی**، اصفهان: مرغ سلیمان، چ ۲.
- منتظرالقائم، اصغر، سلیمانی، زهرا (۱۳۹۴)، **نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی**، قم: دفتر نشر معارف.
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا)، **جواهر الکلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ط السابع.